

۷۳۳۳۳

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

۱

کتابخانه مجلس شورای ملی



کتاب ماهنامه (۱۱۷۷)

شماره ثبت کتاب

مؤلف

موضوع

۲۲۳۲۷

شماره اختصاصی ( ۱۱۷۷ ) از کتب ( ۲۵ ) اهدایی  
تیمسار سر لشکر مجید فیروز ( ناصر الدوله ) کتابخانه مجلس شورای ملی

۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰

کتابخانه مجید فیروز

اشهد ان  
بکتابخانه مجلس شورای ملی

# ماه‌مهندس د اریم

در جواب مذاکرات ۲۲ ابان ماه ۱۳۰۵ شمسی

مجلس شورای ملی

عبد الرزاق مهندس بغایری

مطبعه باقرزاده

مجلس

# ماههندس داريم

در جواب مذاکرات ۱۲۲ بان ماه ۱۳۰۵ شمسي

کتابخانه مجيد فيروز  
احمداني  
کتابخانه مجلس شوراي ملي

مجلس شوراي ملي

عبدالرزاق مهندس بگاري

مطبعه برادران باقرزاده





## بسمه تعالی

§ نظر به نطق آقای وزیر فواید عامه در جلسه ۲۲ آبان ماه ۱۳۰۵ در مجلس شورای ملی که عین آن ذیلا درج می شود:

( مذاکرانی که تا بحال شده است گفته می شود که متخصص باید سابقه خود بگوید این متخصص که بر طبق قانون ۲۰ مهمن انتخاب شده آنچه بنده اطلاع دارم فعلا در راه نیست در پاریس متوقف است متخصص مزبور تلگراف کرده است به میلیسیو که آمدم بایران منفردا فایده ندارد اگر بخواهید از من کار ساخته شود این اشخاص را لازم داریم و این اشخاص را همان متخصص ضرورت دانسته و پیشنهاد کرده است و منتظر هم هست که با وجو اب داده شود تا بعضی از اینها با تمام آن ها را معین کند و همراه خودش بیاورد خودش می گوید اگر بنده بیایم طهران فایده ندارد در این صورت چرا او را ملزم کنید بدون فایده بیاید بطهران بنده با میلیسیو راجع باین چند نفر مذاکره کرده ام با یک اوله که گفتند مرا متقاعد کرده اند و واضح دلایش این است که (ما مهندس نداریم) الان برای راه که بزد خواسته ایم شروع کنیم مهندس نداشتیم آن شخص که در اصفهان بود فرستاده ایم به بزد

\*(۳)\*

بنا بر این استخدام این چند نفر برای احداث راه آهن ضرورت دارد

شماره ۷۷ اطلاعات

نظر به لزوم رد جمله ( ما مهندس نداریم ) اینجانب برای دفاع از خود و همکاران خود بمادرت بایراد شرح ذیل می نمایم تا عموم ایرانیان از وضع جریان امور این مملکت بهتر مستحضرشده بدانند که کارگر در مملکت وجود دارد ولی مقامات مربوطه بواسطه عدم اطلاع از عهدۀ شناسائی اشخاص بر نمیایند و اگر بعضی از آن ها بدانند و بتوانند تشخیص قضا را بدهند بواسطه اغراض شخصی و یا بعزت عدم توانائی و سستی از اقداماتی که مستلزم حفظ منافع مملکت و حیثیات عمومی است خود داری مینمایند

§ اگر آقایان وزرا این جانب و همکاران دیگر اینجانب را نمیشناسند این عدم شناسائی دلیل بر فقدان وجود مهندس لایق نخواهد بود زیرا شهرت اینجانب صرف نظر از ایران در تمام ممالک اسلامی از قبیل مصر و عثمانی و هندوستان و افغانستان و ترکستان و قفقاز در بزد علمای فن رفته و بعلاوه در غالب ممالک اروپا نیز اینجانب را می شناسند اگر آقایان وزرا از شهر خودشان اطلاع ندارند و یا عمدا فراموش میفرمایند بختی بر مهندسین مملکت وارد نمیشود

§ باید دانست اشخاص بر دو قسم اند ، بعضی از عهدۀ کار بر نمیایند البته چون این قبیل اشخاص فاقد مراتب علمی و عملی هستند و لذت عزت نفس را کمتر میدانند برای تصدی امری هزاران وسیله بر می انگیزند تا

باین وسیله متصلی کاری شده بادراهم معدود ساخته بتوانند معیشت خود را تامین نمایند و هیچ توجهی به صحت کار نداشته فکر حفظ حیثیات اشخاصی که خود را با آنها متناسب میکنند نموده قبول هر قسم تحمیل و توهیتی هم نمیکنند

اما اشخاصی که از عهده کار برمی آیند چون این اشخاص معنی عزت نفس را کاملا میدانند هرگز وسیله بر نمی انگیزند که صاحبان کار و کسانی که احتیاج بکار دارند با آنها کاری رجوع نمایند تا وقتی که صاحب کار حس احتیاج خودش را نموده نزد آنها رفته با قبول تقاضای او مبادرت بر رفع احتیاج آنها نماید

هرگز دیده اید یگنفر ساعت ساز ماهر بدر منزل کسی برود و تقاضا کند که ساعت خود تان را بمن بدهید اصلاح کنم و با طبیب حاذقی بدون دعوت صاحب مرضی عیادت رفته باشد

چگونه است که اگر ساعت های جیبی آقایان وزرا ضایع شود و با خدای نکرده مریض در خانه آنها یافت شود با هزاران دقت و مطالعه از ساعت ساز ماهر و طبیب حاذق تفحص نموده آنها را یافته مراجعه نمایند ولی در کارهای مملکت بدون هیچ تحقیقی از مراتب لیاقت و کارآزمودگی اشخاص فقط بصرف واسطه و وسیله تقسیم کار و رجوع خدمت نمایند! این نیست مگر بواسطه اینکه در قسمت اول نفع و ضرر آن راجع به شخص خودشان و در قسمت ثانی سود و زیان آن راجع به عامه مردم است و

البته رعایت منافع شخصی در نظر آنها بر منافع عمومی ترجیح دارد این جانب که مبادرت بعرض این مطالب میکنم در فن خود حکم همان ساعت ساز ماهر و طبیب حاذق را دارم چنانکه همین آقایان وزراء کارهای شخصی خودشان را که منافع آن مستقیماً راجع بخودشان و مربوط بمهندسی و فن اینجانب است بمن مراجعه می نمایند

§ برای اینکه مطلب کاملاً بر همه روشن شود لازم میدانم شرح مختصری از گذارشات فنی خود بدهم و محارمه در جمله ( مامهندس نداریم ) را با صاحبان ذوق سلیم واگذار کنم

§ در ذی حجه سنه ۱۳۲۴ که آقای ناصر الملک وزیر مالیه بود و می خواست از تمام مملکت ایران نقشه برداری کند در خانه مرحوم مهندس الممالک دعوتی کردند عده مدعومین که عبارت از مهندسیین آن وقت بود اعم از حاضرین و غائبین به ۲۶ نفر بالغ میشد . مطلب از طرف مرحوم مهندس الممالک مطرح و اظهار داشتند دولت سالی ۷۵ هزار تومان برای نقشه برداری مملکت بودجه معین نموده و بتقریبی اسمی هم از مسیو دو بروک مهندس بلژیکی برده شد من اظهار داشتم در کارهایی که بمن رجوع شود محتاج به کمک نیستم نه از اسباب کار و نه از جهات دیگر و خودم مستقیماً کار کرده تحویل خواهم داد و قمرار بر این شد فردی آن روز بدربار رفته از خود آقای ناصر الملک ملاقاتی نموده مطلب را قطع نمائیم

فردای آن روز بدربار رفتیم و باتفاق علی خان ملک الشغرا و مجاهد

الدوله و عليم الدوله و ميرزا رضا خان و غيره با آقاي ناصر الملك ملاقات  
کردیم ولي متاسفانه اين رجل سياسي مملکت ابتدا بمطالب ما توجهی نکرده  
متواليا جواب میداد بروید با دو بروك حرف بزنید

من ابتدا خیال نداشتم از دو بروك ملاقات نمایم ولي رفقا گفتند  
بروید ملاقات کنید منهم برای اتمام حجت حاضر شدم و چون با او  
سابقه آشنائی نداشتم رز بغداد از مدرسه علوم سیاسی با تفاق مسيو هنبیک  
مستشار وزارت خارجه بمنزل او رفتم در ملاقات اول ان چه با ید  
بفهم فهمیدم و هر دو بگدیگر را شناختیم خلاصه اسبابی در کنار  
اطاق او بود بسمت او رفتم ببینم چیست با کمال تعجب گفت با این دست  
تزیید گفتم چرا گفت خیلی مشکل است گفتم اسم آن چیست گفت  
تاکیو مطر و شرحی داد که من چند سال میر کشی کردم و چند سال زنجیر  
کشی تا توانستم با این اسباب کار کنم من دانستم در بروك يك نفر  
عمله مهندس بیشتر نیست و شاید با تاکیو مطر هم نتواند کار کند گفتم  
تاکیو مطر برادر تئودلیت است که ما هر روز با آن کار می کنیم خیلی  
تعجب کرد و گفت مگر شما تئودلیت دارید گفتیم بلی در مسئله عرض  
و طول جغرافیائی هم با او صحبت کردم چنانکه از مذاکرات او معلوم  
شد از این مبحث بکلی بی اطلاع و هیچ خبری نداشت

بالاخره در پایان مذاکرات گفت شما بهیچوجه با ناصر الملك  
طرف صحبت نشوید و او ریاست کار را بمن خواهد داد و من شما را

بسمت معاونت خردم انتخاب می کنم من هم چون از ناصر الملك مایوس بودم  
و دیدم با دو بروك هم حرف زیادی زدن فایده ندارد اظهار او را رد  
نکردم و منتظر نتیجه امر شدم ولي هرچه انتظار کشیدم خبری از او به  
من نرسید - در مراجعت از سفر پلائین میرزا آقا خان برادر مرحوم سراج  
الملك محرمانه بمن گفت دو بروك بناصر الملك گفته که اصلا در بین مهندسين  
ایرانی کسی که لایق کار باشد وجود ندارد و حتی عمله مهندس را هم  
باید از بلژیک آورد من از این حرف بر آشفتم و مصمم شدم در آتیه  
با دو بروك کار نکنم و برای ناصر الملك پیغام دادم که ما محتاج بدو بروك  
نیستیم اگر دو بروك برود و رامین من می روم شهریار ، من جدا کار  
می کنم ؛ او جدا کار کند ، تا معلوم شود در ایران مهندس لایق یافت  
می شود یا خیر ، هم از او بهتر کار می کنیم هم ارزان تر

پس از چندی دعوتی در مدرسه دارالفنون از همان مهندسين  
کردند و گفتند باید جمعی با دو بروك بروند بیرون و مشغول کار شوند  
و ماهی هفتاد تومان حقوق و سی تومان خرج سفر بگیرند

من گفتم اولاً من از کار های متفرقه ماهی دو بیست تومان عایدی  
دارم ثانیاً زیر بار ریاست دو بروك نمیتروم چه مشار الیه مفرضانه از مهندسين  
ایرانی نوهین و تحقیر نموده و بعلاوه شخصی است عامی اگر ریاست را  
به آقاي حاج نجم الدوله بدهند با کمال افتخار حاضر کار کنم دیگران  
هم تائید این مطلب را نمودند بالاخره پس از مذاکرات و کشمکش های

طولانی برای اینکه ثابت کنم ایرانی میتواند کار کند حاضر شدم بجانا و  
 الا عوض محله شاه آباد را با همراهان نقشه بر داری کنم و فقط آن ها  
 خرج نهار و مزد عمله را بدهند و پس از اثبات عمل آن وقت داخل  
 مذاکره در حقوق بشویم - ( در مدت بیست روز که مشغول نقشه برداری  
 بودیم با اطلاع آقای معادل الدوله مخارج نهار و مزد عمله ها که یازده نفر  
 بودیم معادل شصت تومان شد در صورتی که سی تومان مخارج می خواستند  
 بدهند) پس از دو ماه که ترسیم نقشه تمام شد و بناصرالملک دادم گفت  
 نمیدانستم که ایرانی ها هم میتوانند کار کنند حالا معلوم میشود ایرانی  
 ها هم از عهده کار بر میآیند اما عده شماها خیلی کم است من جواب  
 دادم آن طور که با دو بروک رفتار میکنید با من رفتار نمائید علاوه بر  
 عده حاضر تا بعد از عید بشما ده نفر مهندس می دهم که بتوانند کار  
 کنند ( بجز عقرب بود ) باز گفت عده کم است گفتیم آن طور که با  
 دو بروک رفتار می کنید با من رفتار نمائید تا سال دیگر همین وقت بیست  
 نفر مهندس تحویل می دهم گفت باز کم است گفتیم آن طور که با دو بروک  
 رفتار می کنید با من رفتار نمائید تا دو سال دیگر چهل نفر تحویل میدهم  
 دیگر ناصرالملک حرف نزد

در سنه ۱۳۲۸ که من در حکومت طهران بودم و بکار ترسیم همین  
 نقشه اطراف طهران که طبع و منتشر شده مشغول بودم ناصرالملک به  
 دارالحکومه آمده و با حالت خجالت گفت من می دانستم تو از دو بروک

بهتر کار میکنی اما میخواستم کار تقریبی و زود تمام شود در پاسخ گفتم  
 اگر همان مبلغ که بدو بروک می دادید بها ایرانی ها داده بودید کار هم  
 تحقیقی میشد و هم زود تر انجام می گرفت از این حرف نیز خجل شده  
 جوابی نداد

§ در چهارم محرم ۱۳۲۶ که مرحوم صنیع الدوله می خواست راه  
 آهن بندر جز بظهران را شروع نماید با اینجانب داخل مذاکره شد و  
 من با قول دادم که از عهده انجام این کار برمی آیم مرحوم صنیع الدوله  
 از نداشتن اسباب کار نگران بود همینکه دانست من اسباب دارم خیلی  
 خوشوقت شده وجود اسباب را بقال نیک گرفت و چون با سه نفر قرار  
 بود به بتدر جز عزیمت نمائیم برای دیگران نیز در فکر اسباب بود لوازم  
 مهندسی یکنفر دیگر را هم من تعهد کردم و برای دو نفر دیگر باقیای  
 ادیب الدوله امر فرمودند که باتفاق بمدرسه دارالفنون ونظام رفته آنچه اسباب  
 دارند در تحت اختیار اینجانب بگذارند و همین کار را کردیم و قرار بود  
 مطلب را با اطلاع مجلس شورای ملی رسانیده بعد از عاشورا بسمت بتدر جز  
 حرکت کنیم ولی در ایام عاشورا کابینه بحران پیدا کرد و آن وزیر ابکلی  
 مستعفی شده خیالات آن مرحوم عقیم ماند و بالاخره همان انقلاب منتهی

بتوپ بستن مجلس کردید  
 گ بعد از آن که محمد علی میرزا از سلطنت خلع و مجلس شورای  
 ملی مجددا تشکیل شده خالصجات را به نجات اجاره دادند هیئت نجات



روزی از تمام اعیان و اشراف و نجار طهران برای ایجاد خط آهن دعوتی کرده بودند و این جانب نیز حضور داشتم و از هر طرف سخن ها بمیان آمد یکی از اشخاصی که بهلوی من نشسته بود فقیه التجار بود به او مطالبی گفتم که طریق اقدام در اینکار اینهاست و او هم از طرف من مطالب را اظهار داشت ، همه حضار تصدیق بصحت آن اظهارات نمودند و قرار شد در جلسات بعد در همان زمینه ها مذاکره شود

چند روز بعد از یکی از تجار زردشتی که کار های خودش را بمن رجوع می کرد شنیدم که چند نفر از تجار گفته بودند که حرف های فلاسی منافی منافع ما است و دیگر نباید از او دعوت کرد !! چنانکه دیگر دعوت نشدم و آن اجتماعات هم چون آلوده بغرض و پایه آن بر منافع و اغراض شخصی بود چندان دوامی نیافت

§ در سنه ۱۳۳۱ که مسیو مرمار خزانه دار کل بود گنترانی با من بست که اصول شهر طهران را نقشه برداری کنم نقشه مزبور را در چهل و یک ورق که هر ورقی سه چارک در نیم ذرع بود پاک اوبس کرده بخزانه داری دادم سه هزار تومان خرج کردم هزار و نهصد تومان گرفتم یعنی هزار و صد تومان خسارت من در این کار شد همان نقشه را دادند مسیو لیتارد مهندس فرانسوی که داخل آن را نقشه بر داری کند در مدت هفت ماه نقشه بر داری نتوانست قسمت بازار را تمام کند و وقت رسم کردن هم سر بهم نمیداد و عیبش را نمیفهمیدند چیست در صورتیکه اصول آن

در دستش بود عاقبت بفرانسه رفت وقتی مطالبه نقشه ها را از همراهانش کردند گفتند مسیو لیتارد مسوده ها را همراه خودش برده است و نقشه های منم در حریق تشخیص عایدات طعمه آتش گردید

در سنه ۱۳۳۷ بلدیة طهران سواد همان نقشه را از من خواست چون مذاکرات ما اسباب خجالت و شرم آور است از ذکر آن اجتناب می کنم ولی چون سواد آن موجود است همه میتوانند آن را ببینند

§ باری پس از آن که دولتین ایران و عثمانی مصمم شدند که تفنگوی سرحدی دو بست ساله بین دولتین را خاتمه بدهند کمیسیونی در اسلامبول و کمیسیونی در طهران تشکیل شد که این جانب نیز در کمیسیون طهران مدت ۱۸ ماه عضویت داشتم . مذاکرات سیاسی تمام و قرار شد کمیسیون های فنی بسر حد اعزام و بر طبق قرار داد اسلامبول تشخیص حدود و نصب علایم نمایند

این جانب از طرف وزارت امور خارجه بسمت ریاست هیئت فنی منتخب و بمعیت هیئت جامعه کمیسیون و آقای محسن خان انصاری که سمت معاونت این جانب را داشتند در ۱۳ محرم ۱۳۳۲ از طهران بسمت محرمه عزیمت و در ماه ربیع الاول ببندر ناصری رسیدیم در آنجا با دو بروک که از طرف دولت علیه ایران در مقابل انگلیس ها برای باز دید خط آهن مامور بود اتفاق ملاقات افتاد . از آقای مبرز جواد خان متین الملك مترجم او پرسیدم دو بروک نا حال چه کرده است گفت ابتدا

کار نگرده است ، خودش ماهی ۶۰۰ تومان و دو نفر شاگرد های مدرسه بلژیک ماهی ۴۰۰ تومان می گیرند اما نمیتوانند کار بکنند

بعد از چندی کاپیتان ویلسون معاون کمیسر انگلیس از من سؤال کرد که دولت ایران با داشتن مهندس ایرانی مثل شما چرا دوبروک را فرستاده است . با کمال خجالت از اوضاع ایران چون جوابی نداشتم بدهم دست و پا کرده رفتم چون من مشغول کارهای سرحد بین ایران و عثمانی بودم و اینهم از کارهای مهم بود لازمتر دانستند من باین کار پردازم . ضمنا از ویلسون پرسیدم دوبروک تا بحال چه کرده است گفت اصلا کار بلد نیست تمام کارها را مهندسی هندی کردند ( یعنی نقشه برداری باز دید راه آهن از محرمه شوشتر خرم آباد را که جزء حق تقدم انگلیس ها بود و حالا آن حق باطل شده است ) و دولت علیه ایران برای قدر دانی از خدمات دوبروک پس از مراجعت از آن سفر سیصد تومان شهریه بعنوان حقوق تقاعد برای او مقرر داشتند ( اما مهندس ایرانی باید کنترت شده و مشمول قانون استخدام هم نباشد )

§ هیأت فنی کمیسر ویلسون انگلیس عبارت بود از کلنل رایدنر که سمت ریاست داشت و مائور کوی مامور اعمال مثلثاتی و چهار نفر مهندس و مساح افغانی و هندی و قریب چهل نفر عمده مهندس آزموده که به توبه کار می کردند

تا ام القیر ما فقط با کلنل رایدنر و مائور کوی طرف مذاکره بودیم

و فقط هندی ها را می دیدیم که مشغول زحمت کشیدن هستند ولی با آنها از نزدیک ملاقات نکرده بودیم . در ام القیر روزی که از کار و نصب علائم مراجعت می کردم با شیر جنک خان بهادر که از مهندسی افغانی بود مصادف شدم و بنام صحبت را گذاشتم . از من سؤال کرد سر تیب صاحب عبدالرزاق خان را میشناسید گفت من خودم هستم بی اختیار جلو آمده مصادف کرده . پرسیدم اسم مرا از کجا شنیده اید . گفت ۱۲ سال است که ماها تورا اسم می شناسیم در کابل اسم تو معروف است . روز بعد حمید گل و سجاو لخان را بچادر من آورده معرفی نمود که این سر تیب صاحب است که اسم او نزد ما معروف میباشد ، بعد حاج عبدالرحیم که اهل هندوستان بود بدیدن من آمده گفت سر تیب صاحب من هشت سال است اسم تورا در میسور ( هندوستان ) شنیده ام و آرزوی کردم تورا بیستم حالا پیدایت کردم .

چون حق را باید گفت می گویم که صرف نظر از اعمال مثلثاتی که بعد از مائور کوی و در محاسبات حاج عبدالرحیم با کمک می کرد در حقیقت نصف بیشتر زحمت نقشه برداری جدید در ایران و عثمانی بعهده همین سه نفر مهندس افغانی بود

§ روس ها در ابتدای امر دو نفر مساح بیشتر نداشته اند و برای نقشه برداری از انگلیسها نقطه مثلثاتی می گرفتند چون بقسمت شمال سرحد رسیدیم آن ها اینز برای رقابت با انگلیس ها برعهده مهندسی خود افزودند

و مخصوصا يك نفر مهندس معروف خودشان را موسوم به ترم لیا توف  
 با ساعت های کرو نو مطری که به نصف النهار بطرز نورغ و تقایس گویا  
 کرده بودند بر حد فرستادند ما که برای نقشه برداری قبل از ورود  
 کمیسیون به وزنه زفته بودیم او را دیدیم و برای اینکه زود تر بهیئت  
 جامعه کمیسیون برسد اسباب های خودش را در وزنه گذاشته به چشم برآورد  
 رفت معلوم است ساعت ها بعد از ۲۴ ساعت می خوابد پیش غول نجومی  
 از دست رفته و باز محتاج به انگلیس ها شدند و در اراضی کوهستان  
 کردستان ۱۶ ورست (تقریبا سه فرسنگ) زمین منقطع می خواست که  
 مبنای مثلثاتی بگیرد در صورتیکه زمین مسطح بیش از يك و بیست (هزار  
 ذرع) بافت نمیشد بنا بر این از عهده اعمال مثلثاتی هم بر نیامد چون کار باقتضای  
 کشید قرار شد برود در اطراف ارمیه که اراضی مسطح در کنار دریاچه  
 زیاد است مقدمات کار را تهیه کنند تا کمیسیون ها از عقب با و ملحق  
 شوند و دیگر کسی ملاقات ایشان نائل نشد

§ در وزنه که تقسیم کار کردند نقشه برداری کوههای سخت قندیل  
 نصیب ما شد چون در وزنه عمائیمها مانع کار ما شده بودند و ۱۵ روز ما را  
 معطل گرداند و نزدیک بود منجر به برتست بین دو کمیسیون شود و دو نفر  
 عسکر همراه بر داشتیم که وقایعی نظیر وزنه رخ ندهد مهنذا نزدیک بود  
 هدف کلوله واقع شویم.

مبنای مثلثاتی ما فقط سیصد ذرع بود و کار هم از ما پیشرفت کرد

با اینکه وسط تابستان بود در کوههای قندیل برای این که قله هر کوهی  
 را رصد کنیم دو ساعت معطل می شدیم تا از زیر ابرومه خارج شود . در  
 این حدود یکنفر مهندس روس را موسوم بپوردانف دیدیم که مشغول کار  
 بود وقتی وارد ارمیه و بگمسیون ملحق شدیم بین نقشه ما و نقشه پوردانف  
 مهندس روس اختلافات عظیم ملاحظه و کار بین ما و روسی ۱۵ بمشاجره منتهی  
 شد بالاخره من گفتم مثلثات ماژور کوی را حکم قرار می دهیم چون  
 روسها دیدند اگر بنای مطابقه با مثلثات مشارالیه شود اسباب اقتضای  
 خودشان است مسیو میمورسکی رئیس کمیسیون روس اظهار داشت که چون  
 مهندس ما ماموریت نداشته است با نجما برود من نقشه او را پس گرفته  
 و نقشه میرزا عبدالرزاق خان را تصدیق می کنم و خود مسیو میمورسکی  
 بمن تبریک می گفت که اول مهندسی که از کوههای قندیل نقشه برداری کرده  
 مهندسین ایران هستند پس معلوم می شود سابق بر این هرچ کاد کرده اند  
 حقیقت نداشته و خیالی بوده است

§ باری جنک بین المللی شروع شده بود و ماژور کوی مهندستان  
 احضار گشت و روسها می گفتند ترم لیا توف مشغول کار است ولی کسی او را  
 را نمیدید بنا بر این اعمال مثلثاتی از دست رفت و نقشه سرحد ارمیه  
 بعد بدون مثلثات انجام گرفت

کاپیتن ویلسن در ماکو با کمال تأسف بمن می گفت اگر گرم لیا توف  
 گفته بود که کار را ناقص می گذارد و می رود بعد از آن کوی عمل رصد

مثلثاتی را بتو واگذار می گردیم تا موفق بوصول کردن محرمه به آفریقا داغ  
 بوسیله اعمال و ارساد مثلثاتی می شدیم  
 اما چه کنیم که از بی خبر رفت و در حقیقت ما را گول زد  
 افسوس که این قسمت از نقشه ها اعمال مثلثاتی ندارد  
 بعد از اكمال کار های سرحدی کلنل رایدرو و کاپیتان ویلسن و سایرین  
 صمیمانه تصدیق عملیات این جانب را کرده و گفتند ما نمیدانستیم در ایران  
 مثل شما مهندسی هم وجود دارد از امروز ببعد هر نقشه که با مضای شما  
 رسیده باشد ما آن نقشه را مثل نقشه های رسمی انگلیس تلقی کرده  
 معتبر می شماریم  
 آقایان منصور السلطنه معاون وزارت عدلیه و سردار انتصار که هر  
 دو در طهران هستند شاهد این مذاکرت می باشند  
 و وقتیکه خزانه از مرافق منتزع شد و هوسن مهندس بازرگانی هم  
 که رئیس ممیزی بود بفرنگ رفت بن گفتند آیا حاضر هستی که کار هوسن  
 را برای تو درست کنیم گفتیم چرا حاضر نیاشم زیرا هم بهتر از فرنگیها  
 کار میکنم و هم بمملکت بیشتر علاقه دارم و ضمنا ثابت میکنم ایرانی باید  
 خودش تهیه سعادت خود را بنماید بنا بر این رفتند و با چند نفر از وکلا  
 صحبت کردند که در این کار اقدام نمایند آن ها هم این اقدام را نخبین  
 کردند با وزیر مالیه وقت داخل مذاکره شدند و یکی از وکلای فارس  
 اصرار در انجام اینکار داشت و هر روز از وزیر مالیه پرسش می نمود

عاقبت جواب شنیده بود که دولت محل برای این کار ندارد و معلوم شد  
 چون وزیر مزبور از ملائین است اصلا میل ندارد در مملکت ممیزی شروع شود  
 § مرحوم دبیر الملک که وزیر فرایند عامه بود مرا خواست و اظهار  
 داشت می خواهیم ترا بخراسان بفرستیم که راه هودان (بین مشهد و عشق آباد)  
 را بسازی و بیست هزار تومان هم اعتبار دز مشهد موجود است فاصله راه  
 را بیست و چهار فرسنگ گفت در صورتی که من می دانستم سی و دو فرسنگ  
 است و از روی ای اطلاعی صحبت میکند مختصر حسابی در ذهن خود کرده  
 دیدم اگر خودمان ملک باشیم و صرف غذا نکنیم و اسبهای ما هم روزه  
 بگیرند و گاه و جو نخورند و عمده ها هم مزد نخواهند و تمام بیست هزار  
 تومان صرف مصالح شود برای هر ذرع مربع يك صد دینار پول داریم بنا  
 بر این خاموشی گزیده از اطاق بیرون آمدم در صورتیکه راه هودان  
 سیصد هزار تومان مخارج دارد حضرت وزارت پناهی می خواستند با بیست  
 هزار تومان آن را بسازند  
 § در سنه هزار و سیصد و چهل که برای تجدید حدود سرحد شمال  
 شرقی رفته بودیم و با مهندسین روس باز همکار شدیم در چند جلسه که  
 در اردوی کمیسون ایران و قنسول خانه روس با آنها ملاقات کردیم و  
 در طرز کار کردن داخل مذاکره شدیم و اسبابهای مهندسی یکدیگر را  
 دیدیم از قراری که شنیدیم اهمدیگر گفته بودند که ما نمیتوانیم در مقابل  
 میرزا عبدالرزاق خان اظهار وجود کنیم زیرا هم شخصا عالمترا هم اسباب کارش

کاملتر است بنا بر این اصرار می کردند که ما محتاج بنقشه برداری جدید  
نیستیم نقشه های قدیم را ماخذ مذاکره قرار می دهیم بآنها مدلل کردیم  
که نقشه های سابق بکلی غلط است و باید تجدید نقشه برداری شود آن  
وقت بیشتر بر مخالفت خود افزودند و ضمیمه اختلافات دیگری که در طهران  
ایجاد شده بود کار بانجا رسید که همه می دانند و خارج از موضوع بحث  
ماست و چون اظهارات ترا که بدلی مخالف نقشه سرحدی که روسها در چهل  
سال قبل ترسیم نموده بودند بود و ما نمیدانستیم چطور آن در را با یکدیگر  
تطبیق کنیم و بعلاوه ترا که می گفتند که روسها هر چند بدی حفر میکنند رود  
انرك در موقع طغیان در آن افتاده مجرای خود را تغییر دهد

ابتدا آقای محسن خان عضو کمیسیون از گمش تپه ما مور معاينه  
انرك و نقشه رداری اجمالی و محرمانه شده و حفر مجرای جدید را نیز  
مشاهده کردند و در دفعه نای که تمام هیئت فنی کمیسیون از گمش تپه به  
انرك رفت و اردوی خود را در آجیاب قرار داد نقشه کامل از آن  
حدود برداشتیم و معلوم شد که نقشه سابق روسها بکلی مجعول و بازده  
فرسنگ مراغ بخاك دولت ایران اجحاف کرده اند

واقعه شب جمعه ۳ جمادی الاولی ۱۳۴۱ مطابق سی ام قوس ۱۳۰۱  
که روسها آقاییان محسن خان و میرزا علی اصغر خان را بعد از مشاجره  
مسلح که از اول غروب تا دل شب طول کشید و از حسرتی بیرون کردند  
از وقایع تاریخی این مسافرت می باشد که صدای سم اسب های آنها ساعت

هشت از شب گذشته که به آجیاب رسیدند مرا از خواب بیدار کرد  
مهمنا موفق برداشتن نقشه آن حدود شده و با این که روسها فوق العاده  
کوشش کرده بودند که نقشه را بگیرند بواسطه مقاومت شدید آقاییان موفق  
نشده نقشه را سلامت بار دو آوردند

چون کار مذاکرات سیاسی در گمش تپه و استراباد و طهران بحالی  
منتهی نشد بر حسب امر دولت کمیسیون در بندر جز متوقف و منتظر  
دستور شد ولی هیئت فنی در طول مدت توقف در بندر جز هم بیکار  
نیبود زیرا من معتقدم که در مقابل هر وجهی شخص باید خدمتی بکند

اولا نقشه چندی از حدود بندر جز استراباد اشرف میدان کاله  
شاهرود بسطام تا میامی برداشتیم که بکار وزارت خانهای داخله و مالیه  
و فواید عامه و غیره هم می خورد که مساحت آن صد و پنجاه و پنج فرسنگ  
مراغ و نسخه آن در وزارت امور خارجه و وزارت جنگ موجود است  
و البته برای تمام مملکت باید نقشه بهمان مقیاس تهیه کرد که يك قطعه  
نقشه ایران آن تقریباً سی مظهر درسی مظهر می شود

يك کتابچه كشف الاسامي هم ضمیمه این نقشه شده است که  
کلیه اسامی نقشه مزبور بقریب حروف تهجی با توضیحات لازم در آن  
مندرج است و بعلاوه نقشه مزبور با نقشه های فرانکی تطبیق شد و اغلاط  
نقشه های فرانکی را نمایش می دهد و مختصر شرحی هم در ذیل آن نوشته  
شده که ایرانی خودش باید کار کنند و الا دیگران اگر کار بلد باشند

علاقه به مملکت ما ندارد که دقت لازم بعمل آورند اگر هم کار بلد نباشند که دیگر بدتر

ثانیا - نقشه پل بندر جز که لازم است سابقه پل مزبور را بطور مختصر و خلاصه ذکر کنم

آب بحر خزر از زمانی که مغول ها مجرای رود جیحون را تغییر و بدریاچه آرال زدند چون دیگر خرج و دخل نمیکند همه ساله فرومی نشیند و مقداری از ساحل خشک می شود بنا بر این هر چند سال يك دفعه با یک قدری بر امتداد پل افزود تا کشتی بتواند خود را پیل برساند و اکنون (۱۳۴۱) عمق دیوار منتهی الیه پل فعلی شصت سانتی متر بیشتر نیست و کتی هزار ذرع دور تر از پل لنگر انداخته بارگیری خود را بوسیله قایقها می کنند و این زحمت بزرگی است بنا بر این پس از زود خورد های زیاد که اداره کمرك با وزارت فواید عامه کرد قرار دادند يك نفر برای بازدید افرستند لذا وزارت فواید عامه بطیب صحنی استرآباد شاهزاده دگتر نادر میرزا که نماینده فواید عامه هم بودند دستور بازدید پل را داده و مشار الیه از رئیس کمرك مطالبه خرج راه از استرآباد به بندر جز کرده بود.

مسیو کورتو هو رئیس کمرك هم جواب داده بود ایل بندر جز مریض است ولی دگتر نمیتواند تشخیص درد آن را بدهد بلکه طبیب آن مهندس است و دیگر قضیه مسکوت عنه مانده بود

همینکه ما وارد بندر جز شدیم مسیو کورتو هو از من وقت خواست و ملاقات کردیم و تفصیل فوق را گفت و خواهش کرد بازدیدي از پل بندر جز بنمایم و اظهار داشت حق الزحمه شما را خواهم داد

گفتم شرحی رسماً با آقای مستشار الدوله رئیس کمیسیون بنویسید و او بمن بگوید من اینکار را میکنم اما در باب حق الزحمه من وقتی از دولت حقوق میگیرم دیگر از شما نباید حق الزحمه دریافت کنم زیرا آن هم مال دولت است همین ترتیب را معمول داشتیم و در ظرف سه ماه نقشه مزبور تهیه و با رایورت جامعهی اوسط کمرك بندر جز با اداره مرکزی کمرك ارسال شد نسخه ثانی نقشه مزبور نیز در دفتر اینجانب مضبوط است حالا با این که مقدمات کار فراهم شده چرا شروع بساختن آن نمیکنند نمیدانم! در صورتیکه روس ها هم حاضر بودند از کرایه حمل و نقل اشیاءیکه از روسیه خریده می شود صرف نظر کنند و خیلی ارزان تمام می شد و حال آن که اگر پل مزبور ساخته شود در ظرف دو سال منتهی سه سال عایدات آن قیمت مخارجش را خواهد داد - ثالثاً - نقشه از قصبه بندر جز بمقیاس نقشه طهران را داشتیم که شامل تمام خیابان ها و کوچهها و عمارات بندر جز است یا اینکه همه جا گفته ایم نقشه بندر جز را بر داشته ایم و در نهایت سال گذشته هم اشخاص با ذوق که برای دیدن کارها عملی این جانب ایام عید بمنزل من آمده اند دیدند هیچ يك از وزارت خانه ها سواد آن را از من نخواست که اقلاً بگوئیم در ادارات

دولتی آدمی هم که ذوق علمی دارد و می خواهد بتدریج لوازم احتیاج وزارت خانه را تهیه کند یافت می شود

رابعا - نقشه قره صو و آشور راده است که مقیاس چهار هزار يك بر داشته شده و جزئیات بناهای مزبور را شامل است و هم چنین محیط شهر استراباد را نقشه برداری کرده ایم

خامسا - حل نهم مثلثات لازمه برای تکمیل کار های گذشته و تهیه مقدمات برای کارهای آتیه که اگر فرصت اجازه می داد بانجام آنها اقدام می کردم

§ بعد از آن که بمشهد رفتیم باز کار کمیسیون مختل اود ولی هیئت <sup>می</sup> فین بکار خود مشغول و در همان ماه محرم ۱۳۴۲ مشغول اعمال مثلثاتی شدیم و دیدم حیف است که باستان قدس رضوی مشرف شده و نقشه کاملی از آن جا بر نداریم این بود که تقسیم کار کردیم نقشه برداری آستانه را بعهده آقای میرزا علی اصغر خان و سه نفر شاگردان مهندس واگذار و نقشه برداری صحرا را آقای محسن خان شروع کردند ولی متاسفانه چون در خواست های حقوق و مخارج در جریان اداری وزارت مالیه بود و پول نمیرسید و غالباً میبایستی به نسیم زندگانی کنیم آن طور که باید کار صحرا پیشرفت نکرد زیرا تا کار در اطراف شهر بود چون صبح می رفتند و شب بر می گشتند پیشرفت داشت وقتی که چهار فرسنگ دور تر شد البته باشی در دهات پنج شب و ده شب بسر برد و کار کرد و این

کار بواسطه فقدان وجه ممکن نمیشد و باین جهت نقشه مستطیل و بی تناسب است ولی معینا در نقشه های روسی پنج ورسی کشف رود که از بهلوی مشهد می گذرد نقطه چین یعنی تقریبی است در صورتیکه مابطور تحقیق آن را نقشه برداری کرده ایم و اثر پول را مرتب رساله بوده اند اقلادوست فرسنگ مریم نقشه از داری شده بود در موقعی که آقای محسن خان برای تفتیش انتخابات به باخرزمی رفتند نیز بیکار نبوده تاثرت شیخ جام که نقطه مثلثاتی داشتند کار تحقیقی و از تربت شیخ جام بعد را بتدابیر عملی نقشه برداری تقریبی کرده اند

آقای میرزا علی اصغر خان هم نقشه آستان قدس رضو برانها و تقدیم آستانه شد تا اینکه از بی بولی بجان آمده آقای محسن خان برای تعیین تکلیف قطعی کمیسیون در ذیحجه ۴۲ بطهران مسافرت کردند

چون آب لطف آباد باید از دره شمس خان بخاک روسیه رفته مجددا بخاک ایران بر گردد و روسها همه ساله هنگام تخم کاری و زراعت جلو آب را می گرفتند و باین وسیله موجب خسارت اهالی لطف آباد می شدند و سه سال بود اهالی لطف آباد اقدام و مذاکره می نمودند که دولت توسیله حفر نهري از زیر گوهها آب را از داخل خاک ایران مستقیما بلطف آباد بیاورد بدون اینکه بخاک روسیه برود در اوایل محرم هزار و سیصد و چهل و سه از طهران امری رسید که اینجانب برای باز دید آب لطف آباد و حفر نهر مزبور حرکت کنم و مالیه برای مخارج مبلغ پانصد تومان داد در یازدهم محرم بان سمت

حرکت کردم و در هفدهم صفر مراجعت و نقشه تقبی که برای بردن آب از دره شمسی خان بلطف آباد باید حفر شود ترسیم نمودم و نقشه افقی و عمودی آن در وزارتین خارجه و مالیه موجود است اما دولت چه اقدامی در حفر آن نهر که بطول سه فرسنگ است کرده نمیدانم!

در نتیجه مذاکرات آقای محسن خان در طهران دولت تصمیم گرفت کمیسیون را منحل نماید در حالی که من در لطف آباد مشغول کار بودم و چقدر در نبرد رعایا زشت و بدنامت که سه سال زحمت بکشند تا اینکه دولت را وادار با اقدامی نمایند آنوقت قبل از اینکه انکار به نتیجه رسیده باشد تلگراف احضار مامورین را بدست آنها بدهند بالاخره در نتیجه اصرار آقای محسن خان قرار شد تلگرافی بمشهد نموده و تسریع در انجام باز دید نهر لطف آباد شود و وقتی ما وارد مشهد شدیم تلگراف انحلال کمیسیون را بخارم نمایند و از قراریکه می گفتند یا اقدامات زیادی وزارت امور خارجه را متقاعد باین ترتیب نموده اند

در لطف آباد که بودم مذاکره از احداث خیابانی از میدان آنجا به عمارت کمرک که کنار سرحد است شد. باتفاق نظر بین مامورین محلی نقشه آنجا را فیزسه روزه برداشته ترتیبی دادیم که بدون این که کسی اظهار عدم رضایت کند خیابانی که تقریباً ۱۰۰۰ ذرع است احداث کردم در سنه ۱۳۴۴ هم که از طرف وزارت امور خارجه مامور سرحد مغان شدم نقشه مفصلی که شش ذرع طول آن می شود از آنجا

ارداشته تسلیم وزارت امور خارجه کردم و چون مذاکرات سیاسی آنجا هنوز در جریان است از ذکر مطالب راجعه بان خودداری می کنم § اینجانب اشتیاق دارم هر چند سال یک مرتبه نمایش از کارهای علمی و فنی بدهم که مردم باین وسیله چشم و گوششان با کارهای فنی آشنا شده و اقلانگویند (ما مهندس نداریم)

در سنه ۱۳۲۸ که در منزل خودم در ایام عید نوروز نمایش داده بودم در همان اوقات مجلس شورای ملی سؤالی از وزیر معارف و اوقاف و صنایع به سد شاهرود برای برگرداندن آب آن رودخانه به جلگه قزوین نموده بود وزیر مزبور مرا احضار و توضیحاتی خواست که به مجلس شورای ملی جواب بدهد خدمتشان عرض کردم در منزل نمایش می دهم خوبست قبول زحمت فرموده روزی را معین بفرمائید که با اعضاء وزارت خانه به آنجا تشریف آورده کارهای که بمعرض نمایش گذاشته شده ملاحظه و ضمناً توضیحات لازمه را از روی نقشه و اسباب کار که آنجا موجود است بدهم آقای وزیر بمعاون امر فرمودند که مخصوصاً روز جمعه تمام اعضاء وزارت خانه حاضر باشند می رویم منزل ایشان و از دیدن نمایش محظوظ و جواب سؤال مجلس شورای ملی را هم می شنویم روز جمعه را تا سه ساعت از شب گذشته منتظر بودم هیچکدام تشریف نیاوردند روز دوشنبه بعد تمام اعضاء وزارت خانه را در کاردن یارتی ملاقات کرده و علت نیامدن را استفسار نمودم عذر خواستند که به فلان



دلیل جمعه گذشته نتوانستم بیائیم این جمعه حتما خواهیم آمد جمعه دوم هم تا غروب منتظر بودم ولی خبری نشد و از قراریکه بعد اطلاع یافتیم چند نفر زن فرنگی نازی می دادند همه آنجا رفته بودند باز عذر خواهی کردند و وعده جمعه سوم را دادند جمعه سوم وقت غروب بکنفر منشی آمد و مطالبه جواب وزیر را کرد من ابتدا نمیخواستم جواب بدهم ولی دیدم اثر جواب ندم شاید وسائل این کار فراهم باشد و بواسطه اعراض من یا کار انجام نگیرد و یا راه غلطی بروند بنا بر این جواب سوال او را دادم نوشته و رفت و دیگر ندانستم چه کردند!

البته رفتن کاردن پارسی و نازی در نظر مستخدمین وزارت خانها و وزرای ما مرجح و مقدم بر دیدن کار های علمی است که بدرد مملکت می خورد

در ایام عید امسال هم که واسطه تصادف با شهر صیام شبها نمایش مزبور دائر و حتی در جرائد هم اعلان شده بود و از کار های سی ساله خودم با کلیه لوازم مهندسی که موجود دارم نمایش دادم از وزراء فقط آقای وزیر داخله و معاونان و از اعیان فقط آقای مستشار الدوله تشریف آوردند معلوم می شود در سایر وزارت خانه ها اهل ذوق وجود ندارد تا به اینیم در نمایش سال آتی به انتشار این کتابچه اهل ذوق پیدا خواهد شد یا خیر!

در زمان وزارت داخله فرمانفرما و معاونت اقتدار الدوله کتابچه

نوشته و کلیه کار هائی را که کرده ام و می توانم انجام بدهم در آن شرح داده بوزارت داخله دادم وقتیکه یارلهارسون رئیس امنیت بود قوام الساطنه وزیر داخله مرا خواست و از نقشه کل مملکت گفتگو کردیم بارهفات کتابچه را تجدید کرده بایشان دادم

وقتیکه مسیو دمورنی مستشار وزارت داخله بود و همین مذاکرات در جریان بار سوم کتابچه مزبور را بار دادم خیلی اظهار مسرت کرد و بمنزل من آمد و کار ها را دید و لوازم مهندسی و کلیه آلات و ادوات را برای العین مشاهده و خیلی تعجب کرد و گفت نمیدانستم در ایران هم چنین اداره وجود دارد و بکنفر می تواند با سرمایه شخصی این همه کار کند و داخل مذاکره شدیم که سالیانه من ده نفر شاگرد تربیت کرده بدهم و بتدریج از کلیه مملکت ایران نقشه برداری کشیم بودجه اینکار را بار دادم که ماهی ۱۵۰۰ تومان بود از شدت خوشحالی روی پای خودش بند نمیشد و وقت من از ماهی پنج هزار تومان کمتر تصور نمی کردم بتوان شروع بکار کرد نمیدانم چه شد که پس از دو ماه چنان سرد شد که گفته بود عجالتا بیشتر از بکنفر مهندس برای بگریه لازم نداریم آن هم با ماهی شصت تومان

حالا به بینیم چه قدردانی ها در قسمت کار هائی که انجام داده ام از من کرده اند

وقتیکه مرا بحکومت طهران دعوت کردند و باسم مهندس ولایتی روزی دو ساعت مشغول کار شدم وعده دادند دو بودجه ماهی صد و پنجاه تومان باسم من منظور و تصویب رسانند و من هم در نظر گرفتم نقشه اطراف طهران را که بدرد حکومت طهران می خورد نگه‌دارم و تقسیم بندی های بلوکی را بر طبق آن تمام نمایم ( رجوع بنقشه اطراف طهران شود ) بنا براین مبالغی از جیب خود خرج و آنجا ها که کار نشده بود نقشه برداری کردم تا اینکه موفق بطبع آن شدم بعد از پنج ماه که احتیاجات آنی آنها رفع شده بود حکومت جایله طهران بر طبق مراسم وزارت داخله امر اطلاع دادند که بواسطه ضیق بودجه حقوق شما تصویب نشد

پس از آنکه چهارده در کمیسیون مطالعه سرحد ایران و عثمانی در وزارت امور خارجه کار کردم و دیدم هیچ کس عن میگوید گذران تواری کجا می شود تعرض کرده بوزارت خارجه نرفتم آقای میرزا حسین خان علاقه آنوقت رئیس کابینه بودند از قضیه مطلع و فرمودند عجب من نمیدانستم که در بودجه هیچ باسم شما منظور نشده و فوراً هیئت وزراء رفته تصویب نامه بمبلغ ۵۰۰ تومان برسم انعام صادر کردند تا اینکه ناقابل و برسم انعام بود و من اجرت زحمت مطالبه می کردم نه انعام باز سکوت کردم ولی خجالت می گشتم بنویسم این تصویب نامه در شوال ۱۳۳۱ صادر و وجه آن با اقدامات آقای محسن خان انصاری در جمادی الثانیه ۱۳۳۷ از وزارت مالیه و خزانه وصول گردید

در سنه ۱۳۴۳ کمترت من با وزارت امور خارجه ۱۰ ماهه و تا آخر جدی بود در بیستم میزان وزارت خارجه کمیسیون را منحل کرد ولی انحلال کمیسیون نمیتوانست کمترت را الغا نماید یا خرج سفری را که می دادند ندهند مخصوصاً در صورتیکه بواسطه رسیدن پول در ترو طلبکار هم بودیم و نمیتوانستیم از مشهد حرکت کنیم و علاوه خود وزارت امور خارجه نسخه ثانوی نقشه لطف آباد را خواسته بود و مشغول ترسیم آن و انجام سایر اعمال مثلثانی بودیم هنوز ۱۴۰۰ تومان از تنه اصل کمترت باقی است و معلوم نیست حالا که می گویند اعتبار قانونی آن گذشته چرا تصویب نامه صادر نمیشود چون این قبیل حرفها راجع بمادیات می شود بیشتر از این نمیخواهم در این موضوع چیزی بنویسم

ضرر ندارد حکایت ذیل را که یکی از اعضای وزارت مالیه برای این جانب نقل کرده بنویسم تا بدانید هر جا پای ایرانیها داخل کار می شود چه اشکال تراشی ها می کنند که بدچاره راز عمر خو بیزار نمائند می گفت : در سال گذشته ( ۱۳ سال قبل ) بواسطه سیل سنگی از کوه گنده شده در جامو کرد ( بین جاجرود و بومهن ) افتاده اسباب زحمت عابری را فراهم کرده بود بنای شکایت را گذاشتند بالاخره از طرف وزارت مالیه امر شد مهندس فرستاده ترتیب تسطیح جاده را بدهند دو نفر مهندس بلژیکی و دو نفر ایرانی ۸۰۰ تومان خرج سفر گرفته باجا رفتند و پس از یکماه مراجعت کرده پیشنهادهای دادند که بالغ بر

۱۲۰۰ تومان مخارج مهندس و اجرت عمله و قیمت دینامیت و باروط و غیره بود يك نفر از اهالی كركه الدیهار نام از قضیه مطلع و پیشنهادی بخزانه داده بود که دو بیست تومان از مقاطعه می گنم این سنگ را از میان جاده بردارم مسیو مرنا و خزانه دار کلی مخالفت کرده و گفته بود این مرد که دیوانه است الدیهار بقوام السلطنه وزیر مالیه عرضه داده او یادداشت بخزانه فرستاد و جمعی هم کمک کردند بالاخره ضامن خواست کاروانسرا داری را ضامن داد قبول نکرد تاجری را ضامن داد گفت معتبر نیست بانك را ضامن خواست هر چه گفت من با بانك چه رابطه دارم بخرج نرفت تا اینکه ناچر مزبور در نزد بانك ضمانت کرده و بانك ضمانت نامه داد جریبان این قضا یا یکسال طول کشید بالاخره هشت ماه بعد از ضمانت بانك دو بیست تومان را گرفته و مقداری بیل و کلک و عمله تهیه کرده محل رفت تودالی مساوی حجم سنگ پهلوی آن حفر کردند و سنگ را با تیر اهرم نموده در گودال انداختند و روی آن را صاف کردند و خاکهای زیادی را هم متفرق بیش از ۱۲۰ تومان خرج نکرد و رایورت داد سنگ را برداشتم مهندس فرستادند جاده را معاینه و رایورت بدهد مهندس مزبور هر چه فکر کرده بود تفهیمیده بود سنگ چه شده است

§ مقصود از شرح فوق این بود که در بانربك یا فرانسه یا سایر ممالک اروپا مهندس نیست نکته در این کار هست که لارم می دانم خاطر عموم را به آن نکته متوجه کنم:

متخصصین درجه اول و دوم هر مملکت محل احتیاج آن مملکت و ممکن نیست بیکار بمانند و بعلاوه خودشان نظر با احتیاج عمومی حاضر نمیشوند وطن خود را ترك کرده برای انجام کارهای سایر ملل آن هم در ممالک مشرق که چندان وازم آسایش در آن فراهم نیست و غالباً دچار مشکلات و زحمات زیاد می شوند مسافرت نمایند بنا بر این اشخاصی که قبول این قبیل مشاغل را مینمایند اگر متخصص باشند از متخصصین درجه سوم و چهارم هستند اثر متخصصین نباشند دیگر هیچ کار از آن ها پیشرفت نمیکند و آن چه در ایران بتجربه رسیده و من یقین بدان دارم این است هر اقدامی که در ممالک مشرق بمنفع اروپائیهما تمام می شود اگر نتوانند از متخصصین درجه اول بفرستند اقل سعی می کنند از متخصصین درجه دوم و سوم اعزام دارند و آن چه را که بمنفع آن ها نیست و یا برای آن ها علی السویه است از مردمان عامی و اشخاصی که در آن حکم مبتدی و عمله را دارند می فرستند چنانکه مهندسی را که پارلمارسون برای اداره ژاندارمری از سوئد آورده بود چون از نظر احتیاج خودش انتخاب کرده بالنسبه آدم فهمیده و مجرب بود و کنترالی که مسیو مرتار برای نقشه برداری طهران با من بست بدستور مسیو هوسن بود که اقل کار را می فهمد و خیلی زود در یافت که مهندسین اروپائی که آن وقت در خدمت دولت بودند از عمده انجام هیچ کاری نمی توانند بر آیند و وقتی که روس ها می خواستند راه آهن جلفابه تبریز را امتداد

بدهند مهندس لایق انتخاب کردند و راه قزوین و همدان را مهندس فهمیده طرح کرده و همچنین انگلیس ها برای نقطه جنوب یا مؤسسات دیگر اشخاص متخصص و مجرب انتخاب کردند اما در کارهایی که بمنفع آن ها نماند میشود برای اینکه دولتها متضرر و خسته نگردد می کنند آنچه را که می دانید و من نمی خواهم داخل این قبیل صحت ها بشوم چه از صلاحیت من خارج است و من در آن باب متخصص نیستم

همه می دانند که ۳۹ سال است شب های خود را وقف عامه کرده و طبقه آزاد از اکابر داشته و از بدو تاسیس مدارس هم مشغول تدوین و تربیت عامه بوده ام و متجاوز از چهار هزار نفر پیش من درس خوانده و اقل ۵۰۰ نفر از آنها در ادارات دولتی فعال مشغول کار و متصدی مشاغل مهمه و عده از آنها در مجلس شورای ملی از رئیس و وکیل برتر و فنون امور مملکت اشتغال دارند و همه آنها مراتب علمی و عملی مرا می دانند حق دارم از همه آنها اخلاقا و روحا کله مند باشم که چگونه حاضر شده اند جمله ما (مهندس نداریم) را شنیده سکوت اختیار کنند بعلاوه من انتظار داشتم که اگر ملاحظه حفظ شؤون ایرانی و حق تربیت و تعلیم مرا هم منظور نیاورند لا اقل احترام قوانین موضوعه مملکتی را حفظ نمایند که عبارت از تبصره ماده اول است که چنین مینویسد (متخصصین ایرانی حق تقدم در استخدام خواهند داشت)

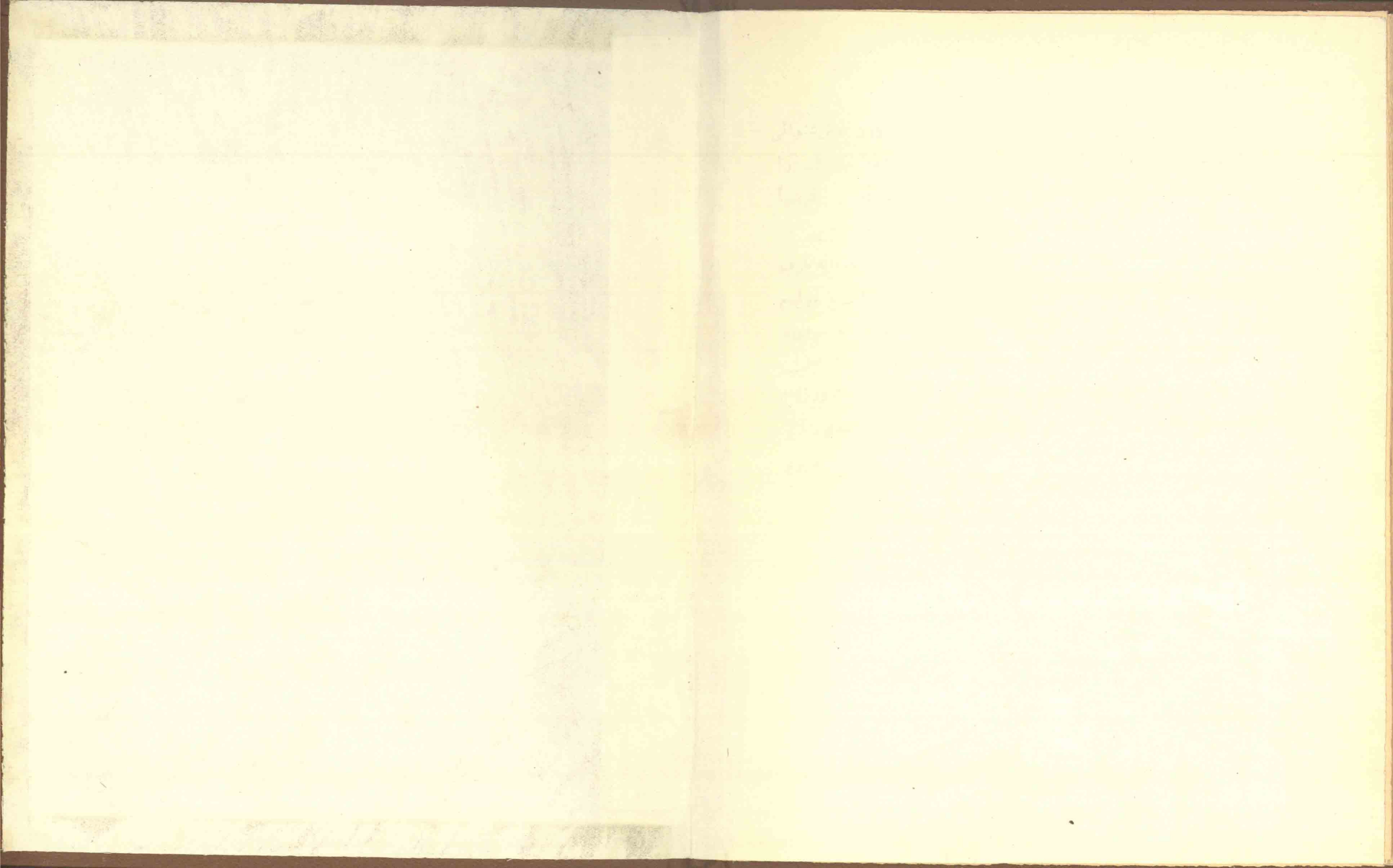
در هر صورت من نمیگویم از اروپا و امریکا مهندس بیابورید ولی می گویم برای رعایت حیثیات ملی و مملکتی خودتان لازم بود درین موقع که نا اندازه و سائل مادی کار فراهم شده و می خواهید خط آهن در مملکت ایجاد بکنید اگر يك نفر مهندس اروپائی یا امریکائی استخدام می کنید قلا ایجاد يك خط آهن را هم مستقلا برانیهها واگذار نمائید که در نتیجه رقابت کار بهتر از پیش برود و من خودم حاضرم ساختن يك خط آهن را بكمك مهندسين ایرانی تعهد کنم و تمام لوازم و وسائل این کار را فراهم کرده و موجود دارم که اولایات شود ایرانی در مقابل اروپائی حق حیات دارد نالیا در ضمن عمل چند نفر تماساها در مهندسی بوده و بواسطه عدم توجه دولت نسبت با آنها در حالت یاس و خمود افتاده اند بکار واداشته و روح تازه در آنها تولید و دیگران هم امیدوار بحسن نیت دولت شده اند جدیدت و فعالیت خود بیفزایند و نسبت مخارج هم نمیگویم آنچه بخارج می دهید همان طور که بنا آنها رفتار می کنید یا ایرانیها رفتار نمائید بلکه يك خمس هم کمتر از آنها حقوق می گیریم و تعهد می کنم بهتر از آنها مال ملی را از قوه بفعل بیابوریم

ضمنا بدانید علاوه بر کشیدن راه آهن و نقب (تونل) و غیره اگر در نظر باشد بوسیله سد بندی یا سایر کارهای عام لمنفعه که مربوط به فن من باشد بر آبادی ممالک بیفزایند در کمال خوبی می توانیم آن کارها را نیز عهده کنیم

من در هر موقع و همیشه مطالب را گفته ام ولی متأسفانه چون کوشش‌نوائی  
 در مملکت نبود موثر واقع نمیشد این دفعه مصمم شدم مطالب را  
 بنویسم تا همه بخوانند و بدانند شاید در چشمها اثری باشد که در گوشها  
 نباشد و بعلاوه من بواسطه عزت نفس هیچ وقت عادت نداشته ام بی کار  
 دوندگی کنم مطالب را اعده گفته و اعده هم پیغام میدادم متأسفانه طرف  
 توجه قرار نمیدادند وقتیکه کار خراب میشد و میگفتم در فلان موقع  
 گفتم حرف مرا بیرونی نکرديد و خراب شد میگفتيد ما که نگفته بودی و  
 مانعیدالستیم اینستکه ایندفعه فقط برای امام حجه و برای اینکه در آئیه امن  
 اعتراض نکنند و فکوبند چرا نگفتی با انتشار این کتابچه مبادرت ورزیدم  
 تا تاریخ حکم باشد والسلام علی من اتبع الهدی

۲۸ جمادی الاولی ۱۳۴۵  
 عبدالرزاق مهندس باغیاری





چاپی اهدا

۷۷